

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۳/۰۵

تحلیل گفتمان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی درباره جنگ عراق با ایران (مطالعه موردی دو فیلم مستند)

نوشته

محمد رضا تاجیک*

جواد رمضان نژاد جلودار**

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین روش‌های عملیاتی کردن سیاست‌های دولت‌ها "گفتمان‌سازی رسانه‌ای" است. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، در سی‌امین سالگرد تجاوز عراق به ایران، چه "گفتمانی" را برای "ساخت واقعیت" و "کنترل اذهان" مخاطبان انتخاب کرد؟ این تحقیق بر اساس تلفیقی از دو رویکرد فرکلاف و ون دایک در تحلیل متون رسانه‌ای از طریق بررسی ۱۲ مقوله کلامی انجام شده است. واحدهای انتخابی نیز بر مبنای واحد آوایی (sound bit) انتخاب شده‌اند. بررسی دو فیلم مستند در این پژوهش نشان می‌دهد گفتمان رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، متمرکز بر نگاه "ضد جنگ"، بدون در نظر گرفتن شأن دفاعی آن است. همچنین در این مستندها "اعتقادات مذهبی" مردم و به‌ویژه رهبر ایران یکی از عوامل اصلی آغاز و ادامه جنگ بازنمایی شده است. به علاوه بی‌بی‌سی با پرداختن به بازماندگان جنگ اعم از رزمندگان و خانواده‌های آن‌ها، ضمن بازنمایی مشکلات موجود، ایراد اصلی را در جنگ بیهوده و سوءاستفاده مسئولان نظام و فایده‌بردن آن‌ها از جنگ معرفی می‌کند.

کلیدواژه: بی‌بی‌سی فارسی، جنگ، ایران، عراق، مستند، تحلیل گفتمان.

مقدمه

پیدایش روش‌های بیان رسانه‌ای در روزگار کنونی، مطالعات رسانه را دچار تغییر و تحول کرده است؛ به طوری که محققان با گذر از روش‌هایی همچون تحلیل محتوای صرف، به روش "تحلیل گفتمان" که راهی برای عبور از لایه‌های سطحی در بررسی زبان‌شناختی به‌منظور دستیابی به لایه‌های زیرین در زبان و ذهن است روی آورده‌اند. در واقع در این روش، زبان فرصتی برای طرح ظریف و غیرمستقیم ایدئولوژی‌ها فراهم می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۳). در این

* دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی Dr_mohammadrezatajick@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران J.r.jeloudar@gmail.com

میان رسانه‌ها با استفاده از ضریب نفوذ در افکار عمومی، جدای از انتقال گفتمان‌های رایج در فضای مناسبات سیاسی، به شکل بینامتنی و غیرصریح به نهادهایی گفتمان‌ساز تبدیل می‌شوند که این‌گونه گفتمان در عملیات روانی کارکرد فراوانی دارد. شبکه‌های تلویزیونی همچون بی‌بی‌سی که متعلق به جریان اصلی رسانه‌ای جهان هستند با به‌کارگیری شیوه‌های متنوع انتقال پیام، جدای از انعکاس ظاهر وقایع در بسیاری موارد، به‌صورت آشکار و غیرآشکار ضمن عبور از چارچوب‌های سنتی رسانه، خود نقش گفتمان‌ساز را بازی می‌کنند. در اینجا نقش ایدئولوژی در گفتمان‌سازی اهمیت بسیاری پیدا می‌کند که زبان‌شناسی انتقادی نگاهی خاص به آن دارد. در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی تجزیه و تحلیل گفتمان عبارت است از تجزیه و تحلیل ساخت‌های غنی‌شده (اشباع‌شده) از بار (معانی) ایدئولوژی. لذا از این نظر، زبان‌شناسی انتقادی در واقع پاسخ به این پرسش است که معانی گفتمان و معانی دریافتی جامعه از لحاظ درزمانی و هم‌زمانی چگونه شکل می‌گیرد. (برگر، ۱۳۷۹: ۳۱)

همچنین باید توجه داشت که در تحلیل گفتمان انتقادی فرض بر این است که فقط یک معنا در متن وجود ندارد، بلکه به‌طور بالقوه هر متن معنای متنوعی دارد که بعضی از آن‌ها به دلایل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در مواقع مختلف بر بقیه اولویت دارند (هاج، کرس و اتال، ۱۳۶۷: ۶). در واقع در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آنچه پیش‌تر آمده، تلاش شده‌است معناهای غیر آشکار متن در کنار معانی واضح و عیان بررسی و در جهت تحلیل متن رسانه‌ای بررسی شوند.

طرح مسئله

واژه‌ها و تصاویری که برای بیان رویدادهای جهان از طریق رسانه‌ها به ما القا می‌شوند درکمان را از فضای پیرامونی شکل می‌دهند. زمانی که ما از درک برخی مسائل عاجز بمانیم زبان به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری دریافت ما از جهان عمل می‌کند (کمالی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۱)؛ بنابراین زبان علاوه بر آنکه ابزار ارتباط میان اشخاص است، یک گُنش اجتماعی به‌شمار می‌رود که شامل متن هم می‌شود. یعنی تولید متن تلویزیونی (ترکیبی از واژگان و تصاویر) در شرایط ویژه و با درجات مختلف از انتخاب و در رابطه‌ای خاص با قدرت در رسانه‌ها صورت و به همین طریق در لایه‌های آشکار و پنهان در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. کارکرد این لایه‌ها کنترل اذهان است. کاستلز درباره‌ی کارکرد رسانه در کنترل اذهان معتقد است:

رسانه‌ها به علت اینکه تاروپود نمادین زندگی ما هستند همچون تجارب واقعی که بر روی داده‌های ما تأثیر دارند بر آگاهی و رفتار ما اثر می‌گذارند و مواد خامی را فراهم می‌کنند که ذهن ما با استفاده از آن‌ها کار می‌کند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۹۲)

محصول فرایند پردازش این دریافت‌های رسانه‌ای، "ساخت واقعیت" در ذهن مخاطب است. همچنین در این زمینه مکتب گلاسکو مدعی است: محصول رسانه‌ای از نوع خبر و مستند فقط

بازتاب یک پدیده طبیعی نیست بلکه مصنوع ایدئولوژی "گفتمان" است که به طرز اجتماعی ساخته می شود. به علاوه این پیام نه فقط واقعیت اجتماعی و حقایق را بی طرفانه منعکس نمی کند، بلکه در ساخت اجتماعی واقعیت هم مداخله می کند.

حال این سؤال اساسی مطرح است که با توجه به اهداف اعلامی و غیر اعلامی تلویزیون بی بی سی فارسی، این شبکه چه گفتمانی را برای ساخت اجتماعی واقعیت و تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان خود درباره تلقی ای که از هشت سال جنگ عراق با ایران دارند، به کار گرفت؟

مبانی نظری

۱. نظریه های مربوط به موضوع تحقیق

سه نظریه در مراحل شکل گیری ساختار تحلیلی تحقیق مدنظر قرار گرفته اند:

الف. انگار سازی (Imag making) و "تئوری لفاظی" (Rhetoric)؛ ارائه انگاره (تصویری) از شخصیت ها، مکان ها، اشیا و رویدادها به مخاطب، "انگاره سازی" نام دارد. در انگار سازی با بازتاب واقعیت سروکار نداریم. واقعیت ها دستکاری و توأم با تفسیر پنهان ارائه می شود. همچنین تئوری لفاظی، فن استفاده از بیان برای اقناع دیگران است. این نظریه، نحوه تبدیل "واقعیت" به "بیان" را بررسی و شیوه "رسانه ای شدن رویدادها" را ارزیابی می کند.

ب. تئوری "چارچوب" (Frame) و "ساخت اجتماعی واقعیت"؛ بر اساس این تئوری، رسانه ها آیین انعکاس رویدادها و واقعیت دنیای اجتماعی و سیاسی نیستند بلکه آفریننده این واقعیت ها هستند. (مهدی زاده، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۹)

ج. "داستان گویی" (Story telling) نگاه به مستند در قالب ساختاری داستان گو؛ این موضوع منتج می شود که مجموعه تصاویری که فقط رابطه مکانیکی پدیده ها را منعکس نمی کنند، بلکه ارتباط ارگانیکی بین وقایع را می سازند. لذا باید موضوع مستند را در زمینه های فرهنگی و اجتماعی آن ها دید و به ساختارهای لفظی و روایی آن ها توجه کرد. (ویندال سون، ۱۳۷۶: ۴۶-۴۴)

۲. استفاده از روش "تحلیل گفتمان"

واژه "گفتمان" در زبان فارسی برابر نهادی است برای واژه "Discourse" که با رواج مفاهیم تازه نقد ادبی و تحلیل اجتماعی و تاریخی گفتارها، این واژه، در زبان فارسی رواج فراوان یافت، ریشه واژه Discourse در زبان لاتین به معنای بحث کردن و مکالمه است.

گفتمان در معنای فنی، علمی و زبان شناسانه آن برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند معروف فرانسوی "امیل بنونیست" به کار گرفته شد و رواج یافت. به نظر او (۱۹۷۱) «گفتمان به جنبه هایی از زبان می پردازد، که تنها می توان آن ها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی- زمانی و یا با ارجاع به متغیرهای دیگر بیان کرد که در مشخص ساختن بسترهای بافت موضوعی پاره گفتار به کار می روند».

”دایان مک‌دانل“ زبان‌شناس انگلیسی در کتاب *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، گفت‌وگو (Dialogue) را شرط مقدماتی هر گفتمان می‌داند. از نظر او، گفتمان: هر نوع گفتار، کلام و نوشتاری است که در جریانی اجتماعی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی هستند. گفتمان‌ها برحسب زمان و مکان تفاوت می‌کنند. (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۵۵)

”ارنستو لاکلو“ و ”شاننال موفی“ از متفکران پساساختگرا، معتقدند که همه پدیده‌ها و اعمال ”گفتمانی“ هستند. به عبارت دیگر هر پدیده و فعالیتی برای معنادار شدن باید بخشی از گفتمانی خاص باشد. نظریه ”رطبی گفتمان“ که به وسیله لاکلو و موفی بسط یافته، بدین معناست که گفتمان‌ها تنها انعکاس‌دهنده فرایندهایی که در بخش‌های دیگر جامعه از قبیل اقتصاد در جریان‌اند نیستند، بلکه گفتمان‌ها عناصر و اقدامات مربوط به همه بخش‌های جامعه را به هم ربط می‌دهند. بدین ترتیب، در حوزه سیاست نیز کردارها، نهادها و سازمان‌های سیاسی جزئی از صورت‌بندی‌های گفتمانی هستند. گفتمان‌ها یا نظام‌های معانی خاص، اشکال خاص از کردارها، هویت‌ها و فعالیت‌ها را ممکن می‌سازند. گفتمان‌ها به واسطه برخورد نیروها، عملکرد قدرت و سلطه تولید می‌شوند و تغییر می‌یابند. از این دیدگاه، معنای پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در چارچوب گفتمان‌ها ساخته می‌شود (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲). اما آنچه به این واژه بار معنایی تازه بخشیده و آن را به صورت واژه کلیدی در قلمرو نقد و تحلیل ادبی و شناخت درآورده معنایی است که از دهه ۱۹۶۰ در حوزه فکری فلسفی فرانسه به خود گرفته است و به‌ویژه میشل فوکو که این مفهوم را به صورت مفهومی محوری در تحلیل‌های اجتماعی و تاریخی خود در آورده، بار معنایی اساسی و بسیار مهمی به آن بخشیده است که در قلمرو گوناگون علوم انسانی کاربرد یافته است. اما تحلیل گفتمان، ”صورت“ اجزای ساختاری متن و ”کارکرد“ ترکیبی آن‌ها را با توجه به بافت یا زمینه فرهنگی و اجتماعی توصیف و تحلیل می‌کند. در این تحقیق، بُعد دوم یعنی کارکردگرایی با توجه به شرایط فرامتنی بیشتر مدنظر قرار گرفته است. همچنین بر اساس الگوی تحلیل گفتمان فرکلانف (نمونه فرهنگی و اجتماعی) پنج مقوله واژگان (مثبت و منفی)، مشارکت، قطب‌بندی، استناد و دلالت‌های ضمنی و بر اساس الگوی ون دایک (مدل شناخت اجتماعی با تأکید بر محتوا) هفت مقوله‌های اجماع، سبک بیان، انسجام موضعی، استعاره، واژگان ایدئولوژیک، اسم‌سازی و گزاره‌های اساسی متن به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی انتخاب شده‌اند.

۱. واژگان (مثبت و منفی). این مقوله، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به‌شمار می‌آید، همراه با بار معنایی و کارکردی آن‌ها را در متن فیلم مستند ارزیابی می‌کند.
۲. نهادها. این مقوله نگرش متن به افراد، گروه‌ها و موارد مطرح‌شده دیگر در متن مستند را که حاوی داوری در مورد آن‌هاست، ارزیابی می‌کند.

۳. قطب‌بندی. این مقوله دارای دو زیرمجموعه مشخص، یعنی نحوه توصیف و معرفی "خود" یا ارزش‌های منتسب به خود و نیز توصیف و معرفی "دیگری" و یا ارزش‌های منتسب به "دیگران" در متن مستند است.

۴. استناد یا ذکر شواهد. ایده‌ها معمولاً به حمایت نیاز دارند. در بسیاری از متون جهت توجیه و مشروعیت‌بخشی به ایده‌ها، به افراد و شخصیت‌های موجه مذهبی، سیاسی و اجتماعی استناد می‌شود. این مقوله، بیان‌گر آن است که محتوای ارائه‌شده در مستند، به کدام منابع مشروعیت‌ساز یا مورد قبول دیگران برای اثبات ادعای خود، استناد می‌کند.

۵. استنباط، ملاحظات (دلالت‌های ضمنی). معمولاً بخش مهمی از اطلاعات گنجانده‌شده در یک متن، به صراحت بیان نمی‌شود و حالت ضمنی دارد. به عبارتی متن مستند ممکن است دربرگیرنده مفاهیم یا گزاره‌هایی باشد که می‌توان از طریق آگاهی یا اطلاعات قبلی بدان پی برد. این مقوله خود شامل سه مقوله پیش‌فرض، تلقین و تداعی است.

الف. پیش‌فرض‌ها. افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج کارگردان و تهیه‌کننده و زاویه نگرش رسانه را شکل می‌دهند.

ب. تلقین. بدین معنی که متن در جست‌وجوی چه آموزه‌های فکری یا توصیه‌های عملی، یا متن درصدد ایجاد چه ذهنیتی است.

ج. تداعی. به این معنی که متن چه موضوع‌های ناگفته‌ای را تداعی می‌کند.

۶. مؤلفه‌های اجماع. این متغیر شامل گزاره‌ها و مفاهیمی است که متن از طریق آن‌ها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان برمی‌آید. استفاده از ارزش‌ها، هنجارها، باورها یا مفاهیمی چون صلح، انسانیت و اقرار به گناه گذشته در متن می‌تواند با این هدف صورت گیرد. برخی از تعبیر می‌تواند صادقانه، برای مشروعیت‌سازی و خارج‌کردن یا ساکت کردن مخالفان یا حذف گفتمان رقیب باشد.

۷. سبک بیان. عمل به‌کارگیری زبان برای اقناع یا تأثیرگذاری بر دیگران است. به‌کارگیری و استفاده از فنون تأثیرگذار مانند نام‌گذاری کلی، کلی بافی مبهم و ... از ابزارهای "بیان" هستند. سبک، عبارت است از تهیه یک متن با کمک یکی از راه‌های جایگزین یک مطلب کم و بیش مشابه با استفاده از واژه‌های متفاوت یا ساختار معنایی متفاوت.

۸. انسجام موضعی. گزاره‌های متن چگونه به یکدیگر مرتبط‌اند، شرط عمده انسجام موضعی یک متن این است که گزاره‌ها به واقعیات مرتبط به‌هم دلالت کنند. این ارتباط ممکن است، زمانی شرطی، علی یا تبعی، انگیزه‌ای، موقعیتی و یا متوالی باشد.

۹. استعاره. استعاره روشی برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر از آن است. برای مثال استفاده از عنوان "گسترش سرطان" در شروع یک مقاله روزنامه اسکاتلندی به جای "گسترش شورش‌های جوانان سرکش" را می‌توان از موارد کاربرد استفاده از استعاره ذکر کرد.

۱۰. واژگان ایدئولوژیک. واژه‌پردازی قلمروی شناخته شده بیان و اقناع ایدئولوژیک است، اهل زبان برای اشاره به اشخاص، گروه‌ها، روابط اجتماعی یا موضوعات اجتماعی یکسان بنا بر نوع گفتن، بافت شخصی (عقیده و دیدگاه)، بافت اجتماعی (رسمی بودن، عضویت در گروه، روابط سلطه) و بافت اجتماعی- فرهنگی (گونه‌های زبانی، گویش اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها) امکان انتخاب کلمات را پیدا می‌کنند. بسیاری از این بافت‌ها منشأ ایدئولوژیک دارند. همین‌طور این امر در بازنمایی مشارکین گفتار و روابط متقابل آن‌ها در مدل بافتاری و بازنمایی مشارکین و کنش‌ها در مدل‌های رویدادی نیز مصداق می‌یابد.

۱۱. اسم سازی. یک فرایند ممکن است به صورت تقلیل یافته اسمی شده وقوع پیدا کند. برای مثال در تیتری با موضوع مشکل ریزش بار سنگ اینکه گفته شود «کامیون‌های بی حفاظ کارخانه سنگ، همچنان با ریختن سنگ مشکل ایجاد می‌کنند» مسبب مشکل و عامل ریزش بار، مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد و در نتیجه عنوان با متن به لحاظ نامعلوم گذاشتن اسنادهای سببیت و مسئولیت همخوانی ندارد.

۱۲. گزاره‌های اساسی متن. منظور از این متغیر، معنای کانونی متن است که به عنوان وجه اساسی در ذهن می‌ماند.

درباره پایایی که در تحقیقات پیمایشی و تحلیل محتوا به معنی اطمینان از عینی‌گرایی در تحقیق است، می‌توان گفت: با توجه به اینکه تفسیر و تبیین از نگاه محقق صورت می‌گیرد، طبیعی است محقق دیگری در رویارویی با متن، نتیجه‌گیری متفاوت داشته باشد (البته با توجه به اطلاعات استخراج شده، احتمال اینکه محقق دیگری نیز نتیجه‌گیری مشابهی بر اساس متون مذکور به عمل آورد، زیاد است).

با توجه به اینکه نمونه‌گیری در این تحقیق هدفمند است برای اجرای پژوهش، دو مستند بلند در قالب‌های محض (ماشین روز قیامت) و با اشاره اختصاری مستند ۱ و مستند گزارشی (دو سرباز) با اشاره اختصاری مستند ۲ انتخاب شدند. همچنین در این تحقیق ابتدا متن هر مستند پیاده‌سازی و مکتوب و بر اساس واحد آوایی (sound bit) تقسیم‌بندی شد. یعنی به جای نما (پلان)‌های تصویری، واحدهای آوایی مدنظر بوده‌است که حاوی محتوای مجزا از قبل و بعد خویش باشد که هر کدام شامل ترکیبی مختلف از نماهای تصویری و ویژگی‌های صوتی از قبیل موسیقی، صدای محیطی و ... خاص خود هستند. سپس واحدهای آوایی - متنی از نظر مقوله‌های گفتمانی بررسی شدند. (برای دقیق‌تر شدن و طبقه‌بندی بهتر تحلیلی، هر واحد آوایی با شماره‌ای مشخص می‌شود که در مجموع مستند ماشین روز قیامت شامل ۵۸ واحد تحلیل و مستند دو سرباز شامل ۱۱۶ واحد تحلیل شدند). مستند "دوسرباز" با موضوع دو سرباز ایرانی و عراقی که پس از جنگ به کانادا می‌روند و در آنجا زندگی مسالمت‌آمیز در پیش می‌گیرند به کارگردانی ژیارگل و مستند "ماشین روز قیامت" درباره زندگی جانبازان اعصاب و روان ساخته سودابه مرادیان فیلم‌ساز ایرانی مقیم آمریکا هستند.

بررسی مستند دو سرباز

بررسی واحدهای انتخابی طبق الگوی مقوله‌های تحلیل گفتمان فرکلاف

مقوله	واژگان		نهادهای		قطب‌بندی (غیرسازی)	استناد یا ذکر شواهد	دلالت‌های ضمنی		
	مثبت	منفی	مثبت	منفی			پیش فرض	تلقین	تداعی
واحد	۱۵۸	۲۲۴	۷۶	۹۳	۷۹	۷۱	۴۳	۵۶	۱۷

بررسی واحدهای انتخابی طبق الگوی مقوله‌های تحلیل گفتمان ون‌دایک

مقوله	مؤلفه‌های اجماع	سبک بیان	انسجام موضعی					واژگان ایدئولوژیک	اسم‌سازی	گزاره‌های اساسی
			زمانی	عقلی	انگیزه‌های	موقعیتی	متوالی			
واحد	۷۴	*	۳۳	۱۵	۱۰	۳۳	۲۴	۸۰	**	

بررسی مستند ماشین روز قیامت

بررسی واحدهای انتخابی طبق الگوی مقوله‌های تحلیل گفتمان فرکلاف

مقوله	واژگان		نهادهای		قطب‌بندی (غیرسازی)	استناد یا ذکر شواهد	دلالت‌های ضمنی		
	مثبت	منفی	مثبت	منفی			پیش فرض	تلقین	تداعی
واحد	۷۶	۱۶۰	۳۳	۲۰	۳۱	۵۰	۲۵	۱۲	

بررسی واحدهای انتخابی طبق الگوی مقوله‌های تحلیل گفتمان ون‌دایک

مقوله	مؤلفه‌های اجماع	سبک بیان	انسجام موضعی					واژگان ایدئولوژیک	اسم‌سازی	گزاره‌های اساسی
			زمانی	عقلی	انگیزه‌های	موقعیتی	متوالی			
واحد	۳۰	*	۸	۲	۳	۳۰	۱۷	۳۰	**	

جمع‌بندی بررسی واحدهای انتخابی طبق مقوله‌های تحلیل گفتمان فرکلاف - ون‌دایک

دلالت‌های ضمنی			استناد یا ذکر شواهد	قطب‌بندی (غیرسازی)	نهادهای		واژگان		مقوله
تداعی	تلقین	پیش‌فرض			منفی	مثبت	منفی	مثبت	
۲۹	۸۱	۶۴	۱۲۱	۱۱۰	۱۱۳	۱۰۸	۳۸۴	۲۳۴	۱۷۴

گزاره‌های اساسی	اسم‌سازی	واژگان ایدئولوژیک	استعاره	انسجام موضعی					سبک بیان	مؤلفه‌های اجماع	مقوله
				متوالی	موقعیتی	انگیزهای	عقلی	زمانی			
**	۱۱۰	۴۲	۵۱	۳۹	۶۳	۱۳	۱۷	۴۱	*	۱۰۴	۱۷۴

توصیف

(در ادامه متن؛ مستند ۱ دو سرباز و مستند ۲ ماشین روز قیامت است)

۱. واژگان. در مجموع تعداد واژگان منفی بیش از یک‌ونیم برابر واژگان مثبت استفاده شده‌اند که در کل فضایی منفی را ترسیم می‌کنند.
۲. نهادها. در مستند ۱ نهادهای منفی رهبران دو کشور و در عوض دو سرباز یا نهادهای مثبت و یا در بدترین شرایط خنثی هستند. اما در مستند ۲ نهادهای مثبت حدود یک‌ونیم برابر بیش از نهادهای منفی هستند ولی سپهر رسانه‌ای که ایجاد می‌شود منفی است؛ و در نتیجه نهادهای منفی بر نهادهای مثبت غلبه دارند.
۳. قطب‌بندی. مجموع این دو قطب‌بندی حاکی نسبت‌دادن است که قهرمان‌های داستان منفی نیستند بلکه دولت‌مردان قطب منفی را تشکیل می‌دهند.
۴. استناد یا ذکر شواهد. هر دو فیلم معیار اصلی استناد را صحبت‌های شخصیت‌های اصلی خود قرار می‌دهند و قرار است فضا سازی معناشناختی را مدنظر قرار دهند.
۵. دلالت ضمنی. در هر دو فیلم قرار است پیش‌فرض احتمالی مخاطبان درباره جنگ ایران و عراق تغییر یابد و مفاهیم مورد نظر کارگردان‌ها با استفاده از تکنیک تلقین به مخاطب القا شود. مهم‌ترین این پیش‌فرض‌ها این است که جنگ ایران و عراق هیچ دستاوردی برای ایرانیان نداشته‌است.
۶. مؤلفه‌های اجماع. در هر دو فیلم به‌جای استناد و ذکر شواهد مباحث انسانی مؤلفه اجماع شده‌اند.

۷. سبک بیان. تقریباً هر دو فیلم الگوی روایتی، تخریب شخصیتی، ترسیم فضای حسی کلی‌گویی، تعمیم جزء به کل و ارجاع به شواهد را به‌عنوان سبک بیان به‌کار برده‌اند.
۸. انسجام موضعی. در هر دو فیلم زمان و موقعیت عوامل بسیار مهم‌تری از گزاره‌های علی و انگیزه‌ای برای انسجام متنی هستند.
۹. استعاره. مقوله دیگری که در بررسی گفتمان رسانه‌ای مستند ۱ مورد توجه قرار گرفته استفاده از استعاره است. این مقوله در حدود یک‌سوم واحدهای انتخابی دیده می‌شود. همچنین در فیلم ۲ استعاره در کمتر از یک‌سوم واحدهای مورد بررسی این مستند رخ داده‌است. استعاره‌های صورت‌گرفته هم بیشتر در ارتباط با ادعای فیلم و نه تشریح وضع جانبازان به‌کار گرفته شده‌است. بنابراین هر دو فیلم (نه به یک میزان) نگاه استعاری دارند.
۱۰. واژگان ایدئولوژیک. در مستند ۱ آن‌گونه که از بررسی جداول به‌دست می‌آید برتری دفعات در استفاده از واژگان دارای بار انسانی و به نوعی حقوق بشری به‌جای واژگان ایدئولوژیک است. اما در مستند ۲ در حدود یک سوم از واحدهای انتخابی شامل واژگان ایدئولوژیک هستند.
۱۱. اسم‌سازی. بیان‌نکردن علت جنگ و مواضع طرفین، تلقین واقعیتی همچون سختی‌های جنگ که در تمام دنیا وجود دارد و آسیب مردم خاورمیانه از جنگ‌های صورت گرفته در این منطقه و به‌ویژه جنگ عراق با ایران از موارد اسم‌سازی است که در حدود یک‌سوم واحدهای مستند ۱ دیده می‌شود. در مستند ۲ هم در بیش از نیمی از واحدهای مورد بررسی انتخاب برخی صحنه‌های جنگ، نشان‌دادن مشکلات حاد جانبازان؛ همگی جزء موارد اسم‌سازی هستند.
۱۲. گزاره‌های اساسی. در مستند ۱ یکی از این موارد القای حس غم و حسرت نسبت به زمان و فرصت‌های از دست رفته‌است. گزاره اساسی دیگر این سؤال است که اساساً جنگ برای چه؟ تأکید غیرمستقیم بر اینکه ریشه جنگ خواسته‌های فردی رهبر جمهوری اسلامی ایران و رئیس دولت وقت عراق بود. ارزش تهاجم و دفاع یکسان و هر دو مردود است. اینکه نتیجه جنگ منوط به بررسی وضع فعلی بازماندگان جنگ شود. در مستند ۲ هم به این گزاره توجه ویژه‌ای شده‌است. همچنین جنگیدن بدون محاسبه عقلی یکی از گزاره‌های اساسی است که فیلم درصدد القای آن است.

تحلیل و تبیین

رویکرد و کنش گفتمانی بی‌بی‌سی فارسی دربارهٔ جنگ ایران و عراق

ردیف	کار ویژه	رویکرد	کنش
۱	واژگان	در مستند ۱ از نظر کمیت واژگانی، واژگان منفی حدود یک‌ونیم برابر بیشتر از واژگان مثبت استفاده شده‌اند که این میزان استفاده در فضای کلی مستند و استیلای فضای منفی بر آن به‌شدت تأثیرگذار است. همچنین در مستند ۲ تعداد واژه‌های منفی متن بیش از دو برابر واژه‌های مثبت است. و در مجموع تعداد واژگان منفی بیش از یک‌ونیم برابر واژگان مثبت استفاده شده‌اند که در کل فضایی منفی را ترسیم می‌کنند.	ترسیم برای مخاطب
۲	نهادهای	در بررسی نهادها مشخص می‌شود در مستند ۱ نهادهای منفی رهبران دو کشور هستند و درعوض دو سرباز یا نهادهای مثبت هستند و یا در بدترین شرایط خنثی هستند. اما در مستند ۲ نهادهای مثبت حدود یک‌ونیم برابر بیش از نهادهای منفی هستند اما سپهر رسانه‌ای که ایجاد می‌شود منفی است. و در نتیجه نهادهای منفی بر نهادهای مثبت غلبه دارند.	ایجاد تشکیک در مخاطب علی جنگ
۳	قطب‌بندی	نکته مهمی که در فیلم ۱ جلوه می‌کند پرهیز از تعریف خود و دیگری است. روایت فیلم بر مبنای قطب‌بندی بین نجا و زاهد با سران کشورهای مطبوعشان و نسبت به پدیده‌ای به نام جنگ شکل می‌گیرد که سران در اینجا قطب منفی را تشکیل می‌دهند. همچنین در فیلم ۲ از همان پلاتوی آغازین در استودیو تأکید می‌شود که فیلم قرار است به بازماندگان جنگ و کسانی که از جنگ متنعم شده‌اند و فاصله میان آن‌ها پیردازد. بنابراین مجموع این دو قطب‌بندی حاکی از این است که قهرمان‌های داستان منفی نیستند بلکه دولت‌مردان قطب منفی را تشکیل می‌دهند.	بی‌گناه نشان دادن مردم ایران و عراق و آسیبی که از جنگ دیده‌اند
۴	ذکر شواهد	مهم‌ترین بخش استناد یا ذکر شواهد در مستند ۱ نقل قول نجا و زاهد است یعنی دو شخصیت اصلی فیلم از آنچه بر آن‌ها گذشته‌است. بر این اساس استفاده از استناد و ذکر شواهد برای ترسیم فضای تأثیرگذار حسی است و استنتاج منطقی مدنظر نیست. همچنین مهم‌ترین شیوه برای استناد در فیلم ۲ موقعیتی است که فیلم در حال رخ دادن در آن است. بنابراین مهم‌ترین استناد صحبت خود افراد است تا موقعیت واقعی‌تری برای مخاطب ایجاد شود. پس هر دو فیلم معیار اصلی استناد را صحبت‌های شخصیت‌های اصلی خود قرار می‌دهند و قرار است فضا سازی معناشناختی را مدنظر قرار دهند.	قرار دادن بی‌واسطه مخاطب در مقابل صحبت‌های افراد خسته از جنگ

<p>هدایت مخاطبان برای بازنگری در ارزش‌هایی که برای آن جنگیده‌اند</p>	<p>در فیلم ۱ پیش‌فرض‌ها و تلقین نسبت به استفاده از تداعی به صورت معناداری بیشتر استفاده شده‌اند. این بدان معناست که فیلم درصدد نیست با استفاده از نمادهایی خودساخته برخی مفاهیم را تداعی کند بلکه می‌خواهد پیش‌فرض‌های مخاطب را درباره جنگ ایران و عراق تغییر دهد و مفاهیم مورد نظر خود را با استفاده از تکنیک تلقین به مخاطب القا کند. مثلاً در پیش‌فرض‌ها این‌طور تلقین می‌شود که تصمیم مردم هیچ نقشی در روال جنگ نداشته‌است و این رهبران بوده‌اند که مردم را اسیر تصمیم‌های خود کرده بودند. همچنین در فیلم ۲ بیشترین شکل دلالت ضمنی استفاده از تلقین است و پس از آن به ترتیب پیش‌فرض و تداعی قرار دارند. یکی از این پیش‌فرض‌ها (با استناد به گفتار متن ابتدای فیلم) این است که جنگ ایران و عراق هیچ دستاوردی برای ایرانیان نداشته‌است.</p>	<p>دلالت‌های ضمنی</p>	<p>۵</p>
<p>برجسته‌سازی ابعاد حقوق بشری جهانی به‌جای نگاه ایدئولوژیک و دینی</p>	<p>در فیلم ۱ به‌جای تأکید بر معیارهایی همچون مبانی ملی، تأکید چینش واحدهای مختلف فیلم بر استفاده از مؤلفه‌های اجماع مبتنی بر ارزش‌های انسانی است که زبانی بین‌المللی هم به کار می‌بخشد همچون نیاز به داشتن زندگی راحت، خانواده به‌عنوان نماد و قیاسی که ثبات را نشان می‌دهد. همچنین در فیلم ۲ محیط فیلم که اشتراکات معنایی حسی برای مخاطبان ایجاد می‌کند مؤلفه اصلی اجماع است و حدود نیمی از واحدهای انتخابی شامل مؤلفه اجماع شرایط ترجمه‌برانگیز انسانی است. بنابراین در هر دو فیلم به‌جای استناد و ذکر شواهد مباحث انسانی مؤلفه اجماع شده‌اند.</p>	<p>مؤلفه‌های اجماع</p>	<p>۶</p>
<p>استفاده از شیوه‌های بیانی برای دور کردن مخاطب از تجزیه و تحلیل و تأثیرپذیری عاطفی</p>	<p>در فیلم ۱ روایت افراد و فیلم‌ساز از وقایع گذشته و همچنین تخریب شخصیتی و ترسیم فضای حسی بیشترین میزان و فراوانی را بین واحدهای انتخاب شده دارند. در رتبه بعدی کلی‌گویی، تعمیم جزء به کل و ارجاع به شواهد تواتر بیشتری دارند. تعادل صوری و خنثی نیز بین شخصیت‌های فیلم دیده می‌شود. اما در فیلم ۲ بیشترین میزان استفاده از شکل‌های مختلف سبک بیان گونه ترسیم فضای حسی است. در رده بعدی الگوهای روایتی و تخریب شخصیتی بیشترین میزان استفاده را دارند. همچنین در درجات بعدی کلی‌گویی، تعمیم جزء به کل، ارجاع به شواهد قراردارند. بنابراین با کمی جابه‌جایی در اولویت‌ها هر دو فیلم الگوی روایتی، تخریب شخصیتی، ترسیم فضای حسی کلی‌گویی، تعمیم جزء به کل و ارجاع به شواهد را به‌عنوان سبک بیان به کار برده‌اند.</p>	<p>سبک بیان</p>	<p>۷</p>

<p>روش‌های استدلالی و علّی و معلولی برای تأثیرگذاری بر مخاطب در این گونه آثار کاربرد لازم را ندارد</p>	<p>پیوستگی واحدهای متنی در فیلم ۱ بیشتر از نوع زمانی و موقعیتی است. به علاوه همبستگی علّی و انگیزه‌ای کمترین میزان استفاده را دارند و می‌توان گفت: دیدگاه، پسینی است و نه پیشینی. در فیلم ۲ هم مهم‌ترین عامل انسجام بخش‌های مختلف فیلم، موقعیتی است که جانبازان در آن قرار دارند. همچنین توالی عاملی است که در رده بعدی مؤثر است. کمترین میزان موارد انسجام موضعی در این متن مربوط به گزاره‌های علّی و انگیزه‌ای است. بنابراین در هر دو فیلم زمان و موقعیت عوامل بسیار مهم‌تری برای انسجام متنی هستند.</p>	<p>انسجام موضعی</p>	<p>۸</p>
<p>استفاده از مفاهیم ساده ولی با ارجاعات و تأثیرات عمیق در ذهن مخاطب</p>	<p>مقوله دیگری که در بررسی گفتمان رسانه‌ای مستند ۱ مورد توجه قرار گرفته استفاده از استعاره است. این مقوله در حدود یک‌سوم واحدهای انتخابی دیده می‌شود. همچنین در فیلم ۲ استعاره در کمتر از یک سوم واحدهای مورد بررسی این مستند رخ داده‌است. استعاره‌های صورت گرفته هم بیشتر در ارتباط با ادعای فیلم رخ داده‌است و نه تشریح وضع جانبازان. بنابراین هر دو فیلم نگاه استعاری دارند و تقریباً به یک میزان.</p>	<p>استعاره</p>	<p>۹</p>
<p>هدایت مخاطب به پرهیز از آرمان‌ها و ارزش‌های متکی بر دین</p>	<p>در مستند ۱ آن‌گونه که از بررسی جداول به‌دست می‌آید برتری دفعات در استفاده از واژگان دارای بار انسانی و به نوعی حقوق بشری به‌جای واژگان ایدئولوژیک است. اما در مستند ۲ در حدود یک سوم از واحدهای انتخابی شامل واژگان ایدئولوژیک هستند.</p>	<p>واژگان ایدئولوژیک</p>	<p>۱۰</p>
<p>گذر کردن از پاسخ منطقی و دقیق به زوایای مهم و ریز جنگ</p>	<p>بیان نکردن علت جنگ و مواضع طرفین، تلقین واقعیتی همچون سختی‌های جنگ که در تمام دنیا وجود دارد و آسیب مردم خاورمیانه از جنگ‌های صورت گرفته در این منطقه و به‌ویژه جنگ عراق یا ایران از موارد اسم‌سازی است که در حدود یک سوم واحدهای مستند ۱ اتفاق افتاده‌است. در مستند ۲ هم در بیش از نیمی از واحدهای مورد بررسی انتخاب برخی صحنه‌های جنگ، نشان دادن مشکلات حاد جانبازان همگی جزء موارد اسم‌سازی هستند.</p>	<p>اسم‌سازی</p>	<p>۱۱</p>
<p>دور بودن طرفین از معیارهای عقلی برای نبرد و آسیب‌دیدن مردم</p>	<p>در مستند ۱ یکی از این موارد القای حس غم و حسرت نسبت به زمان و فرصت‌های از دست رفته‌است. گزاره اساسی دیگر این سؤال است که اساساً جنگ برای چه؟ تأکید غیرمستقیم بر اینکه ریشه جنگ خواسته‌های فردی رهبر جمهوری اسلامی ایران و رئیس دولت وقت عراق بود. ارزش تهاجم و دفاع یکسان و هر دو مردود است. اینکه نتیجه جنگ منوط به بررسی وضع فعلی بازماندگان جنگ شود. در مستند ۲ هم به این گزاره توجه ویژه‌ای شده‌است. همچنین جنگیدن بدون محاسبه عقلی یکی از گزاره‌های اساسی است که فیلم درصدد القای آن است.</p>	<p>گزاره‌های اساسی</p>	<p>۱۲</p>

نتیجه گیری

تلویزیون بی بی سی فارسی در سی امین سالگرد دفاع مقدس، مهرماه ۱۳۸۹، در مجموعه برنامه‌هایی که بخشی از آن مستندهای "دو سرباز" و "ماشین روز قیامت" بود به بررسی آنچه "جنگ ایران و عراق" نامید، پرداخت. مهم‌ترین نتایجی که در تحقیق پیش رو از این بررسی حاصل شده بر این قرار است:

۱. نگاه بی بی سی فارسی به دفاع مقدس، تنزل دادن بُعد حماسی و دفاعی این جنگ هشت ساله و نادیده گرفتن آن و تلقین این موضوع به مخاطب است.
۲. بی بی سی فارسی در رویکردی توأم با کلی گویی فقط نگاه پسینی و نتیجه‌گرا به هشت سال دفاع مقدس داشته‌است و نگاه کم‌رنگ پیشینی استفاده‌شده، جهت‌دار و به‌منظور ساخت ذهنی مخاطب برای کارکرد و اثربخشی امروزی این رسانه است.
۳. پیشرفت‌ها و دستاوردهای ایران در هشت سال دفاع مقدس به هیچ‌وجه در این آثار مستند مطرح نشده‌است.
۴. اساساً نگاه تلویزیون بی بی سی فارسی به جنگ هشت ساله عراق با ایران با رویکرد سیاه‌نمایی و نشان دادن اعوجاج شخصیتی رزمندگان ایرانی - به‌ویژه بسیج و سپاه - همراه است.
۵. بی بی سی به‌منظور ایجاد جذابیت بیشتر برای مخاطب از شیوه‌ی روایت قصه و سرگذشت افراد استفاده کرده و از تحلیل خشک سیاسی در این دو اثر اجتناب ورزیده‌است. در واقع بافت متنی به جای سیاسی، اجتماعی - فرهنگی شده‌است. (رویکرد جدید bbc گذر از Geopolitic به Geoculture است)
۶. بی بی سی در روایت مستندهای "دو سرباز" و "ماشین روز قیامت" به نگاه از بیرون بسنده نکرده‌است و برای تأثیرگذاری بیشتر، نگاه از درون جامعه ایرانی را با جدیت دنبال کرده‌است.
۷. بی بی سی، مذهب ایدئولوژی را مهم‌ترین عامل آغاز و ادامه طولانی مدت جنگ معرفی می‌کند. بر همین اساس رهبران دینی را به‌طور غیرمستقیم عامل جنگ می‌داند و برای مردم ایران و عراقشان تصمیم‌سازی در نظر نمی‌گیرد.
۸. القای بی‌فایده بودن جنگ - ولو دفاع از سرزمین و دین - و اهمیت دادن به روابط انسانی بدون دیوارهای مذهبی و دینی از مهم‌ترین نکات مورد تأکید بی بی سی است. بر این اساس شخصیت‌های ایران و عراق به‌طور یکسان قربانی جنگ معرفی می‌شوند.
۹. جایگاه غرب و کشورهای عربی در تحمیل جنگ به ایران به هیچ‌عنوان در این دو فیلم، مورد توجه واقع نمی‌شود.
۱۰. با زیر سؤال بردن جنگ به‌عنوان نقطه عطف افتخار تاریخ انقلاب اسلامی، بی بی سی در صدد است اسطوره ارزش و آرمان را در جامعه ایرانی خرد کند (این دو فیلم پس از واقعه ۸۸ پخش شدند و بی بی سی به مدت یک هفته بسیاری از جنبه‌های دفاع مقدس را زیر سؤال برد).

۱۱. در این دو مستند از روش‌های گوناگون و متضاد در فیلم‌سازی برای القای احساس نفرت نسبت به هر نوع جنگ و بیهوده بودن این امر استفاده شده‌است.
۱۲. به روایت بی‌بی‌سی، بازماندگان جنگ اعم از رزمندگان و خانواده‌های آن‌ها در حالی با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند که بسیاری از افراد حکومتی از دفاع مقدس برای خودشان امتیازهای بزرگی کسب کرده‌اند و به‌نوعی همین افراد موافق جنگ بوده‌اند.
۱۳. با توجه به اینکه دفاع مقدس تقریباً بین تمام گروه‌های سیاسی ایران اعم از اصلاح‌طلب و اصول‌گرا از قداست و شرافت خاصی برخوردار است، بی‌بی‌سی فارسی تلاش کرده‌است با زیر سؤال بردن جنگ و آرمان‌های آن به تمام ارزش‌های انقلابی حمله کند.
۱۴. تنها راه نجات طبق نسخه تجویزی بی‌بی‌سی، بریدن مذهب و دل از آرمان‌های دفاع مقدس با توجه به سختی‌های زندگی در ایران، پناه برده به غرب و معرفی ینگه‌دنیا به‌عنوان مأمن آسایش و آرامش است.
۱۵. خردکردن و درهم شکستن روحیه مقاومت در مردم ایران از اهداف همیشگی و متداول غرب است. تولید و پخش این‌گونه مستندها می‌تواند فواید فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای غرب داشته باشد.
۱۶. بی‌بی‌سی تلاش کرده‌است این‌طور به مخاطب القا کند که افراد خطرناکی — جانبازان اعصاب و روان — در ایران زندگی می‌کنند که هر لحظه می‌توانند منشأ انفجاری بزرگ علیه منافع غرب باشند. ضمن اینکه به‌طور ضمنی بر وجود سلاح خطرناک بزرگی در ایران تأکید می‌شود.
۱۷. تلویزیون بی‌بی‌سی به‌طور کلی تلاش کرده‌است با پخش مستندهای “دو سرباز” و “ماشین روز قیامت” فضای حسی و توأم با تلخی و ناامیدی را درباره پیگیری آرمان‌های دفاع مقدس و به‌طور کلی انقلاب اسلامی به مخاطب ایرانی القا کند.

منابع

- برگر، آسا (۱۳۷۹)، *روش‌های تحلیل رسانه‌ها*، ترجمه پرویز اجاللی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*، تهران، انتشارات پویا.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، “درآمدی بر تحلیل گفتمان” کتاب *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*، به اهتمام محمدرضا تاجیک، نشر فرهنگ گفتمان.
- بیچرانلو، عبدالله (۱۳۸۸)، “کارکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در جنگ نرم”، *فصلنامه رسانه*، سال بیستم، شماره ۷۸.

- پین، مایکل (۱۳۸۲)، *فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- پاستر، مارک (۱۳۸۲)، *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، انتشارات مؤسسه ایران.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، “متن، وانموده و تحلیل گفتمان (۲)”， *مجله گفتمان*، سال اول، شماره اول.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، *فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان*، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- حقیقی، شاهرخ (۱۳۷۹)، *گذر از مدرنیته*، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، نشر آگه.

دوایی، پرویز (۱۳۷۱)، فرهنگ واژه‌های سینمایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی، چاپ چهارم.

سلبی کیت و ران کاودوری (۱۳۸۰)، راهنمای بررسی تلویزیون، ترجمه علی عامری مهابادی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.

سلطانی فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲)، پوشش خبری، تهران، انتشارات سیمای شرق، چاپ اول.
شکرخواه، یونس (۱۳۷۴)، خبر، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها.

عضدانلو، حمید (۱۳۶۹)، "گفتاری درباره گفتمان"، ایران نامه، سال هشتم، شماره ۳.

عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، "درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۴-۱۰۳.
غلامرضاکاشی، محمدجواد (۱۳۷۹)، جادوی گفتار، ذهنیت و نظام معانی در انتخابات دوم خرداد، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان.

فرقانی، علی (۱۳۸۸)، "تحلیل گفتمان مصاحبه لری کینگ با رئیس‌جمهور ایران و مقایسه آن با سه رئیس‌جمهور دیگر"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۱)، "تحول گفتمان توسعه سیاسی ایران"، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذار تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

قندی، حسین و نعیم بدیعی (۱۳۸۴)، روزنامه‌نگاری نوین، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات جامعه شبکه‌ای (جلد اول)، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو.

کپس، جنورگی (۱۳۸۸)، زبان تصویر، ترجمه فیروزه مهاجر، انتشارات سروش، چاپ هشتم.

کریستوفر، نوریس (۱۳۷۷)، "گفتمان" ترجمه حسنعلی نوذری، فصلنامه گفتمان، شماره صفر.

کمالی پور، یحیی (۱۳۷۲)، "زبان رسانه و جنگ"، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.

کلبخشی، حسن (۱۳۸۷)، "تحلیل گفتمان اخبار سایت‌های بی‌بی‌سی و رادیو فردا درباره بازداشت ملوانان انگلیسی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما، تهران.

گیدیون، زیگفريد (۱۳۷۱)، فضا، زمان، معماری، انتشارات سروش.

مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان، چاپ اول.

میرفخرایی، نژا (۱۳۸۳)، فرایند تحلیل گفتمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

نیک‌ملکی، محمد (۱۳۸۴)، "تحلیل گفتمان اخبار شبکه‌های العالم و الجزیره با تأکید بر رویدادهای عراق"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما، تهران.

نیک‌ملکی، محمد (۱۳۸۷)، حمایت‌های مالی آمریکا از شبکه‌های ماهواره‌ای رادیو تلویزیونی فارسی زبان، (هویت اهداف، محورها، شیوه‌ها، مخاطبان، حمایت مالی، تضاد هویتی و راهکارهای مقابله)، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی، تهران.

نیک‌ملکی، محمد (۱۳۸۷)، شبکه بی‌بی‌سی فارسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها (شماره ۱)، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی تهران.

ون‌دایک، تئون (۱۳۷۵)، "تحلیل گفتمان خبر"، ترجمه حسن نورائی بیدخت، فصلنامه رسانه، سال ششم، شماره ۳.

ون‌دایک، تئون. ای (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Fairclough, Norman (1989), *Language & power*. London: Longman.
Fairclough, N (1995), *Media Discourse*. London: Edward Arnold.
Fairclough, N (1993), *Critical Discourse Analysis*. Unpublished Manuscript.
Hodge, Robert & Kress Gunter & etal (1988), *Social semiotics Cambridge*: Polity press.
Shehyholislami, Jaffer "critical discourse analysis". www.carleton.ca
Van Dijk, T.A (1995), *Discourse analysis as Ideology analysis*.
Van Dijk, T.A (1997), *Ideology*. A multidisciplinary approach. London: sage.
Van Dijk, T.A (1998), *Critical Discourse analysis* available: [http://www.hum.uva.nl/teun/cda.htm\(25/1/2000\)](http://www.hum.uva.nl/teun/cda.htm(25/1/2000))
Van Dijk, T.A (1988), *News as Discourse*. Hillsdale, Nj: Erlbaum.
Van Dijk, (1991), Raccim & the press, Routledge, London.
Williams, Stephen (2009), *The Power of TV News: An Insider's Perspective on the Launch of BBC Persian TV in the Year of Iranian Uprising*. Shorenstein Center Fellow.
<http://www.tahghigh.net/namayeshe>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی